

تقویم

تاریخ

۲۹ ژوئن ۲۰۰۷ | **نخستین عرضه گوشی های آیفون**

شرکت اپل اولین گوشی تلفن همراه خود، یعنی آیفون را عرضه عمومی کرد. در این روز بسیاری از علاقه‌مندان در صف‌های طولانی فروشگاه‌های اپل ایستادند تا اولین کسانی باشند که این گوشی را می‌خرند. این گوشی از سال ۲۰۰۸، در بازارهای جهانی نیز عرضه شد.

یک روایت، یک درس

توکل، ایمان، تقوا، یقین

امام رضا(ع) فرمودند: «بی‌نیازی و عزت در سیر و حرکت اند، چون به مقام توکل رسید، استقرار یابند.» و فرمود: «ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان؛ و به‌فرزند آدم چیزی بالاتر از یقین داده نشده است.»



همشهری سلام

همشهری سلام

همشهری سلام

همشهری سلام

همشهری سلام

همشهری سلام

همشهری سلام

آب و هوا



مشهد
۱۶° ۳۰°



تایباد
۱۹° ۲۳°



ترت جام
۱۸° ۳۲°



تربت حیدریه
۱۵° ۳۳°



درگز
۱۸° ۲۸°



سبزوار
۱۷° ۲۳°



فوجان
۱۲° ۳۶°



نیشابور
۱۵° ۳۰°



کاشمر
۱۹° ۳۶°



گناباد
۱۹° ۳۶°

تفسیرنور

مگر کسی که خودش به دنبال دوزخ باشد

در آیات ۱۶۱ تا ۱۶۳ سوره صافات می‌خوانیم:

فَأَنكُم مَّا تَعْبُدُونَ ﴿۱۶۱﴾ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ﴿۱۶۲﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿۱۶۳﴾
همانا شما(بت پرستان) و آنچه می‌پرستید، نمی‌توانید(خلق را) بر ضد خدا گمراه کنید. مگر کسی که خودش (با اراده و اختیار) به دنبال دوزخ باشد.

استاد قرآنی در تفسیر این آیات می‌گوید:

- آیین شرک و بت پرستی در برابر توحید، ناتوان است و اگر طرقدارانی دارد، در آینده نزدیک به بن بست خواهد رسید.
- خداوند، انسان را آزادآفرید و اوست که راه خود را انتخاب می‌کند و بت پرستان و بت‌هایشان قدرت اجبار ندارند.
- تنها افراد بد طبیعت و حق‌گریز از مشرکان و بت‌ها متأثر می‌شوند. یعنی مشرکان و بت‌هایی می‌توانند مردم را فریب دهند و در برابر توحید قیام کنند، مگر کسانی که با اختیار راه انحرافی شرک را برگزینند.

در محضر بزرگان

از حالا به فکر باشید

از حالا به فکر باشید؛ از جوانی به فکر باشید. الان هر قدمی که شما بر می‌دارید رو به قبر است. هیچ، هیچ معطلی ندارد؛ هیچ اشکالی ندارد. هر دقیقه‌ای که از عمر شریف شما می‌گذرد، یک مقداری به قبر و آن جایی که از شما سوالات خواهند کرد و همه مسئول خواهید بود، دارید نزدیک می‌شوید. فکر این مطلب را بکنید که قضیه نزدیک شدن به مرگ است.

صحیفه امام، جلد ۲

خاطرات سرخ

سال‌ها دل‌طلب جام‌جم

از مای‌کرد...

اکثر شب‌ها دیوان حافظ را می‌داد به من و می‌خواست تا برایش فال حافظ بگیرم. انس عجیبی با حافظ داشت. بارها دیوان را خوانده بود و اکثر ورق‌هایش را نشانه گذاری کرده بود. همیشه حافظ را همراه مان داشتیم. داخل ماشین می‌خواست برایش بخوانم. شعی‌ که روی سنگ قبرش نوشته شده، مورد علاقه‌ترین بند از غزل حافظ برایش بود، گفت: «خانم، بگو دوبیت اول این شعر را روی مزارم بنویسند.» هر بار که دیوان را باز می‌کنم بیت بیت‌اش بوی او را می‌دهد، بوی صادق را...

شهید مدافع حرم صادق عدالت،
مرغ سحر

یک عکس، یک نکته



انتشار تصویری از تبلیغات «شهر مشهد، شهر پاکشوما» در فضای مجازی، انتقاد برخی از اصحاب رسانه و فعالان فرهنگی را به همراه داشت. انتقاد از چرایی نبود نظارت کافی متولیان تبلیغات شهری بر این حوزه و درج شدن عبارت «شهر مشهد» در کنار اسامی ناهمخوان با هویت معنوی و فرهنگی این شهر!

۷ ذی القعدة ۲۲۵ | درگذشت امیر خسرو دهلوی

امیر خسرو دهلوی، عارف و شاعر نامدار پارسی‌گوی هندوستان، در نیمه‌دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری می‌زیست. وی در دربار پادشاهان هند تقرب حاصل کرد و از موسیقی دانان مشهور زمان خود بود. دهلوی در نظم و نثر استاد بود و از جمله آثار او دیوان قصاید و غزلیات است.

تغافل

حافظ

*آن کیست که ز روی کرم با من وفاداری کند
بر جای بدکاری چون یکدم نکوکاری کند*

*اول بر بانگ نای و نی آرد بد دل پیغام دی
و انگر یک سیمای با من وفاداری کند*

خبرنگار شهری

دوشنبه ۹ تیر ۱۳۹۹
۷ ذی‌القعدة ۱۴۴۱
۴ صفحه | شماره ۴۴۴

بریده‌کتاب

می‌دانستم مادرم، مام، شب‌ها توی کارخانه مهمات جنگی کار می‌کند. می‌دانستم هر شب موج‌های وحشتناک بمب‌ها روی سر لندن روان است. می‌دانستم آلمانی‌ها کارخانه‌ها را هدف می‌گیرند، مخصوصا کارخانه‌های تسلیحات را. من خودم توی بیماران گیر افتاده بودم. دیوارهای آجری بالای سرم منفجر می‌شدند. بعدش شیشه خرد شده مثل برف خیابان‌ها را می‌پوشاند. برای همین می‌دانستم ممکن است مام

بمیرد ولی باور نمی‌کردم. با وجود همه بمب‌ها، فکر می‌کردم می‌تا آبید زنده می‌ماند و فکر می‌کردم ما هیچ وقت از دست او آزاد نمی‌شویم.

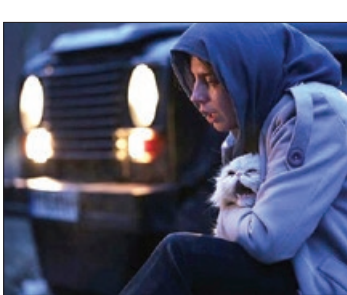
جنگی که بالاخره نجاتم داد
نویسنده: کیمرلی پروبیرکر دلی
مترجم: مرضیه‌ور شوساز

دیالوگ ماندگار

من خیلی تغییر کردم، خواب از سرم پریده، دیگه نمی‌خوام همه‌اش بخوابم که به چیزی فکر نکنم. می‌خوام بقیه‌زندگی‌مو بیدار باشم، هر چقدر درد بکشم، بیدار باشم.

رگ خواب

کارگردان: حمید نعمت‌ا...



آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی منطقه سه مشهد

نظر به دستور مواد ۱ و ۲ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی منطقه سه مشهد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارضی آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی میگردد:
املاک متقاضی واقع در پلاک ۲۲۸ اصلی بخش ۹ مشهد مفروز و مجزی شده از پلاک ۷۰ فرعی آقای ماشاله محبی نسبت به ششدانگ یک اداره هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراضی خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد و یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید
صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
م الف ۲۵۵- تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۴/۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۴/۲۴
بشیر باستانی- رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۴ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۲ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر آرای شماره های ۱۷۳۳-۳۰۶۰۰۵۰۰-۱۳۹۹۶۰۳۰۶۰۰۱۳۹۹۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰-۱۷۳۵ مورخ ۹۹/۲/۲۱ هیات اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نیشابور تصرفات مالکانه و بلامعارض آقایان سعید حلاجی و علی حلاجی فرزندان حبیب اله هر کدام نسبت به سه دانگ شماع از ششدانگ یک باب مغازه به مساحت ۷۰/۹ مترمربع از پلاک شماره۱۹ فرعی ۲۸۸ اصلی واقع در اراضی شاه پسند بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای محمود موسوی نیشابوری محرز شده است.
بنابراین به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۴ آئین نامه مربوط، این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به اعتراض اعلام شده باشند باید از صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اولین آگهی و در صورتیکه اعتراض داشته باشند باید از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک، تسلیم و رسید اخذ کنند. معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل کند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد و در این صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نشود یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید
صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
م الف ۲۵۵- تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۴/۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۹/۴/۲۴
علی امینی- رئیس ثبت اسناد و املاک نیشابور

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.

نامزدی در کلانتری!

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری داشت با منصور، کارمندیکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزدش، او را افسرده می‌کند و به همین جهت، نصرت دست به خودکشی با قرص لومینال می‌زند. اطرافیان بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند. نصرت پس از کمی بهبودی، می‌گوید که به خاطر بی‌اعتنایی منصور دست به خودکشی زده و در پی این اقرار، منصور به کلانتری احضار می‌شود و در حضور نامزدش مورد بازجویی قرار می‌گیرد و پس از مدتی، مراسم آشتی‌کنان در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند.



آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۷۷... ۱۳۹۹ مورخ ۹۹/۴/۲۴ هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی ناحیه ۶ مشهد تصرفات مالکانه و بلامعارضی متقاضی خاتم طیبیه خادم کربویی فرزند علیرضا نسبت به ۶ دانگ یک باب منزل به مساحت ۱۲۸.۷۱ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۷۷۱۵ فرعی از ۳۰۷۵ فرعی از ۲۹۲۹ فرعی از ۱۸۲- اصلی بخش ۱۰ مشهد اراضی وکیل آباد از محل مالکیت شماعی متقاضی محرز گردیده است. لذا به استناد ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی ... و کثیرالانتشار ... در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به ازای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید
صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
م الف ۲۵۳- تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۹/۴/۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۹/۴/۲۴
رئیس ثبت ناحیه ۶ مشهد- هادی ریحانی

